یادداشت

خواب‌هایی که امریکا و اسرائیل برای منطقه دیده‌اند

و اینک ماموریت جدید ترکیه

دیپلماسی ایرانی: بـا تشدید تحرکات رژیم صهیونیستی و جبهه آنگلوساکسونی به رهبری انگلستان و امریکا برای بازطراحی «غرب آسیا» (خاورمیانه) در قالب یک سایکس پیکو جدید با ابزار جنگ، کشتار و تجزیه (به‌جای سایکس پیکـو ۱۹۱۶)، و همچنیـن تشـدید مصاف فرسایشی با روسیه در اوراسیا، گمانه‌زنی‌های زیادی دربـاره جایگاه و نقش ترکیـه در این فرایند مطرح می‌شود. ترکیه تنها کشور اسلامی عضو ناتو (از ۱۸ فوریه ۱۹۵۲) اسـت که طی دهه‌های اخیر انبوهـی از جهت‌گیری‌ها را در سیاست خارجی، از درخواست عضویت کامل در اتحادیه اروپا (در سال ۱۹۸۷ به جامعه اروپا و ۱۹۹۹ به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا) تا سیاست نگاه به شرق (درخواست عضویت در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۲) و در داخل نیز ملی گرایی، اسلام گرایی و سنتز ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی را تجربه کرده‌است. در طول جنگ سوریه و فعالیت تروریسم تکفیری داعش، تغییرات ناگهانی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه به‌ویژه در قبال عربستان سـعودی، ایران، روسـیه و غیره، این دیدگاه را تقویت کـرده که آنکارا فاقد یک سیاسـت خارجی باثبات و قابل اعتماد است؛ آن مقطع، برخی محافل نزدیک به حزب عدالت و توسعه تلاش کردند که این موضوع را با رویکرد ترکیه برای تعامل با همه بازیگران موثر و خودداری از وابستگی به یک بلوک قدرت یا ائتلاف بازنمایی کنند؛ اما واقعیت این است که بنیان سیاست خارجی ترکیه در دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه بر اهدافی بنا شده است که طی دو دهه اخیر نه تنها تغییر نیافته‌انـد بلکه تقویت نیز شده‌اند. واقعیت این اسـت که ترکیه علی‌رغم همه ادعاها در خصوص پیگیری سیاست‌های مسـتقل، همچنان به عنوان نماینـده ناتو در منطقه ایفای نقش می‌کند. بـه رویکردهای عثمانی و پان‌ترکیستی و مدل اسلامی ترکیه نیز باید از همین منظر نـگاه کرد؛ نه تنها هیچ رفتاری از سوی آنکارا علیه ناتو به‌ویژه انگلستان در سال‌های گذشته انجام نشـده است؛ بلکه طرح‌های بزرگی از سوی ترکیه به نمایندگی از ناتو و جبهه آنگلوساکسـونی اجرا شده و در حال اجراسـت. در این راستا و در فرایند ایجاد نظم آنگلوساسـکونی در غرب آسـیا، اولین ماموریت ترکیه، وارد کردن ضربات سـنگین به محور مقاومت یا آنچه غرب هلال شـیعی می‌نامید، بوده اسـت. اوج این اقدام، تقسـیم کار پنهانی ترکیه و رژیم صهیونیسـتی برای فروپاشی نظام بشار اسد و آوردن اشخاصی به قدرت بود که تا دیروز در ردیف اول فهرسـت تروریستی غرب جای داشتند. فروپاشی سوریه اسـد، با از بین بردن جبهه اتصال زمینی ایران به مرزهای اسرائیل، بزرگترین خدمت قرن به رژیم صهیونیستی اسـت که اجرای آن بدون مشارکت ترکیه و نیروهای وابسته به آن ممکن نبود. به دلیل همین تقسیم کار پنهانی بود که آنکارا و دولت دست‌نشانده‌اش در سوریه (محمد جولانی) در مقابل تجاوزات رژیم صهیونیستی در سویدا و بخش‌هایی از جنوب سوریه تا نزدیک دمشق، که نقض توافق پشت پرده درباره سوریه بود، غیـر از موضع‌گیری‌های نمایشـی، هیچ اقدام عملی نکردند و اساساً جرات انجام آن را نداشـتند؛ تا جایی که برخی محافل و مقامات اسـرائیل امکان حمله رژیم صهیونیسـتی به ترکیه در صورت لزوم را مطرح کردند.

ترکیه همچنین در راستای ایفای نقش مقدم برای ناتـو و جبهه آنگلوساکسـونی به‌ویژه از زمان پروژه جنگ دوم قراباغ، به دنبال ایجاد جهان به‌اصطلاح تُرک در پوشـش سـازمان دولت‌های ترک، ناتوی ترکـی و پیگیری ایده اجرای کریدور فراسرزمینی در جنوب ارمنستان (دالان تورانی ناتو) اسـت؛ همراهـی آنکارا با «مسـیر ترامپ برای صلح و رفاه بین المللی» (TRIPP) موید این موضوع اسـت. به گواه دو سـال تحولات پس از ۷ اکتبـر ۲۰۲۳، جهان ترک ادعایی ترکیه که مهمترین مانع آن هویت آذربایجانی شـیعی ایرانی اسـت، مهمترین پشتیبان، عقبه لجسـتیکی و مسیر ترانزیتی برای رژیم صهیونیستی اسـت؛ به دلیل آنکه اسـاس این طرح نه مبتنی بر ایده‌های بومی و مردمی در ترکیه، بلکه مبتنی بر طرح دویست ساله پان تورانیسم انگلیسی است که مُبدعان آن تئورسین‌های یهودی مانند وامبری و لملی دیوید بوده‌اند. سفر رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه به امریکا در ۳ مهر ۱۴۰۴ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵) و کم‌وکیف دیدارها با دونالد ترامپ و مقامات آمریکا پس از شش سال نشان داد که جبهه آنگلوساکسـونی ماموریت‌های جدیدی برای آنکارا و به تعبیر ترامپ برای «مرد قوی و مورد احترام گسـترده در ترکیه، اروپا و جهان» دارد. درخواست اصلی امریکا از ترکیه، کاهش و نهایتا قطع واردات گاز XXX طبیعی از روسیه است تا بتواند تحریم‌های انرژی بر مسکو را مؤثر کند. پس از انفجـار خط لوله‌های نورد استریم یک و دو، و توقف انتقال گاز از خط لوله روسـیه به اوکراین از ابتدای سال ۲۰۲۵، خط لوله جریان ترکی (ترک استریم به طول ۱۰۹۰ کیلومتر از بسـتر دریای سیاه) مهمترین خط لوله انتقال گاز روسیه به بازارهای جهانی پس از جنگ اوکراین محسوب می‌شود.

گفت‌وگو با نماینده مجلس استان اصفهان درباره فرونشست؛

شرایط مهاجرت اجباری از این استان رخ نداده است

زهرا وفایی / گروه تحریریه
news@naslefarda.net

نماینده برخوار در مجلس شورای اسلامی درباره وضعیت فرونشست و بحران آب در اصفهان اظهار داشت که هنوز شرایط مهاجرت اجباری از این استان رخ نداده، اما وضعیت به سرعت در حال وخامت است و نیاز به اقدام فوری دارد. حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده مردم برخوار و میمه در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به روند سریع و نگران کننده فرونشست زمین در استان اصفهان و شهرستان‌هایی مانند برخوار و میمه، هشدار داد که برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی اصفهان را به گرداب سهمگینی کشانده اسـت. وی افزود: «با وجود کاهش نسبی برداشت‌ها در ماه‌های اخیر، آسیب‌های وارده از برداشت‌های پیشین همچنان پابرجاست و تنها راه باقی‌مانده، تأمین و انتقال آب به رودخانه‌های اصفهان اسـت» حاجی دلیگانی تأکید کرد که اگر چاره‌ای اندیشیده نشود و جریان آب در زاینده‌رود به صورت دائمی برقرار نشـود، اصفهان به زودی با بحران مهاجـرت اجباری مواجه خواهد شد. وی بیان داشت: «اکنون هنوز به مرحله مهاجرت اجباری نرسیده‌ایم، اما این وضعیت قابل ادامه نیست و ضرورت دارد آب به این استان منتقل شود» در خصوص برنامه‌های انتقال آب از دریای عمان و خلیج فارس به اصفهان، نماینده برخوار گفت که این طرح‌ها همراه با راه‌حل‌های دیگری مانند بارورسازی ابرها در حال بررسی است، اما با مشـکلات و موانع اجتماعی مواجه شده‌اند. حاجی دلیگانی تأکید کرد: «برای حل این مسـائل باید با همکاری همه نهادها و برگزاری نشست‌های مشترک، به درک مشترک درباره اهمیت اصفهان رسید؛ استانی که متعلق به مردم خود اصفهان نیست، بلکه برای کل کشور و حتی جامعه بین‌المللی اهمیت دارد». وی همچنین خاطرنشان کرد که نابودی تمدن در اصفهان ضرر بزرگی برای تمام مردم ایران است و برخی رفتارهای اصفهان ستیزانه نیازمند رسیدگی دقیق دستگاه‌های نظارتی و قضایی است. ما با هر شرایطی پای اصفهان می‌ایستیم و تلاش می‌کنیم این استان دوباره سرزنده شـود، ولی روسیاهی و ننگ این وضعیت بر عهده کسانی است که به جای حمایت، دشمنی می‌کنند.

ماجرای ورود مجدد آمریکا به افغانستان به نگرانی واشنگتن از چین، روسیه و ایران برمی‌گردد؛

به‌بهانه بگرام

اینکه یک رئیس‌جمهور آمریکا علناً خواستار بازگرداندن یک پایگاه نظامی از یک دشمن سابق شود، هر روز اتفاق نمی‌افتد. اما دقیقاً همین بود که هفته گذشته رخ داد، زمانی که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ گفت دولت او در حال «تلاش برای بازپس‌گیری» بگرام از طالبان است.

فارن پالیسی در این باره نوشت: اینکه یک رئیس‌جمهور آمریکا علناً خواسـتار بازگرداندن یک پایگاه نظامی از یک دشمن سابق شـود، هر روز اتفاق نمی‌افتد. اما دقیقاً همین بود که هفته گذشـته رخ داد، زمانی که رئیس‌جمهـور دونالد ترامپ گفت دولـت او در حال «تلاش برای بازپس‌گیری» بگرام از طالبان است.

به گزارش «انتخاب»، در ادامه این مطلب آمده است: این اظهارات موجی از شگفتی و تردید به همراه داشت. پایگاه هوایی بگرام که زمانی مرکز فرماندهی عملیات نظامی آمریکا در افغانسـتان بـود، در جریان خروج آشفته آمریکا در سـال ۲۰۲۱ رها شد و به‌سرعت به تصرف طالبان درآمـد. اکنون، چهار سـال بعد، این پایگاه دوباره به‌عنوان آخرین قمار سیاسـت خارجی ترامپ مطرح شده و بحث‌ها درباره پرونده ناتمام ایالات متحده در افغانستان تحت کنترل طالبان را دوباره زنده کرده است.

ترامپ که از زمان خروج بارها مسـئله کنترل بگرام را مطرح کرده بود، اکنون به نظر می‌رسـد فشارهایش را افزایش داده است. او در ۲۰ سپتامبر هشدار داد: «ما می‌خواهیم آن را پس بگیریم و می‌خواهیم همین زود، همین حالا پس بگیریم.»

گزارش‌های رسانه‌ای نشـان می‌دهد که کاخ سفید فعالانه در حال بررسـی گزینه‌هایی برای بازگرداندن حضور ایالات متحده در این پایگاه اسـت و به ارزش ضدتروریسم آن و نزدیکی‌اش به تأسیسات هسته‌ای کلیدی چین اسـتناد می‌کند. این پایگاه که ۴۰ مایل شمال کابل واقع شده، همچنان کاملا قادر به پشتیبانی از هواپیماهای بزرگ، پهپادها و سامانه‌های شناسایی، نیروهای عملیات ویژه و مأموریت‌های واکنش سریع است. در حالی که از دست رفتن آن نماد عقب‌نشینی آمریکا تلقی می‌شـد، بازپس‌گیری بگـرام می‌تواند نشـانه‌ای جسـورانه از بازاعمال قـدرت آمریکا در منطقه‌ای پرآشوب باشد.

هرچند طالبان به‌سرعت ایده ترامپ را رد کردند، اما موضوع به هیچ‌وجه خاتمه‌یافته نیسـت. در سال‌های اخیر، شکاف‌های درونی این گروه عمیق‌تر شده است؛ ناشـی از نارضایتی فزاینده نسـبت به تمرکز قدرت توسط امیر و ادغام اقتدار مذهبی او با کنترل اجرایی بر سیاست‌گذاری و انتصابات.

ترکیب این وضعیت با ناامیدی شدید اقتصادی و تهدید فزاینده داعش-خراسان (IS-K) در حال بازشکل‌دهی به پویایی‌های درونی طالبان و ایجاد فرصت‌های بالقوه برای تعامل عملی است. با توجه به وسواس رژیم نسبت به بقا و فشارهای درونی، ایده ترامپ آن‌قدرها هم دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. تیم او می‌تواند با ترکیبی درست از مشوق‌ها، دیپلماسی پشـت‌پرده و فشار بازیگران منطقه‌ای از این شکاف‌ها بهره‌برداری کند. هم از نظر نمادین و هم عملیاتی، بگرام همچنان یکی از معدود دارایی‌های ثابت است که قادر است دوباره نفوذ آمریکا را در سراسر آسیای جنوبی و مرکزی برقرار کند.

ترامپ در یک پست در تروث سوشال در ۲۰ سپتامبر نوشت: «اگر افغانستان پایگاه هوایی بگرام را به کسانی که آن را ساخته‌اند ـ ایالات متحده آمریکا ـ بازنگرداند، اتفاقات بدی خواهد افتاد!!!» این تهدید صریح نشانه‌ای از احتمال بازتنظیم موضع ایالات متحده در منطقه‌ای است که نفوذش به‌شـدت کاهش یافته است. از زمان خروج، داعش-خراسـان به‌سـرعت فعالیت‌هایش را گسـترش داده، پناهگاه‌هـای تروریسـتی دوباره سربرآورده‌اند و توانایی‌های جمع‌آوری اطلاعات آمریکا به‌شـدت تضعیف شده اسـت. در همین حال، چین، روسیه و ایران با شـدت وارد میدان شده‌اند تا این خلأ را پر کنند. اسـتدلال برای بازگشت به بگرام بر اساس نیازهای فوری امنیتی شکل گرفته است. ارزیابی‌های دولت آمریکا هشـدار می‌دهند که داعش-خراسـان می‌تواند در صورت عدم مهار، طی چنـد ماه توانایی اجرای عملیات خارجی را دوباره احیا کند. بدون حضور فیزیکی آمریکا در افغانستان، مدل کنونی «فرا افق» که بر پایگاه‌های دوردست در خلیج متکی است، جایگزینی ضعیف برای نزدیکی جغرافیایی و دید مستقیم زمینی مورد نیاز برای مبارزه مؤثر با تروریسم است.

دولت اکنون با چند مسیر بالقوه روبه‌رو است که هر کدام مملو از خطر و بده‌بستان است. چالش واقعی در ساختن یک ترتیباتی اسـت که ارزش معناداری داشته باشد بدون اینکه به گسترش مأموریت یا تعهدات بی‌پایان بینجامد. تمایل ترامپ به دیپلماسی معامله‌ای می‌تواند به او مزیتی ویژه در دستیابی به چنین توافقی بدهد. مسـتقیم‌ترین مسـیر پیش‌رو، توافقی مذاکره‌شده با طالبان خواهـد بود؛ یا به‌عنوان توافقی مسـتقل یا به‌عنوان گسترشـی از چارچوب موجود توافق دوحه میان آمریکا و طالبان. در ازای دسترسی جزئی یا کامل به بگرام، واشنگتن می‌تواند بسته‌ای برای بقا پیشنهاد کند که شامل کمک اقتصادی، همکاری ضدتروریسم و گام‌های تدریجی به‌سوی عادی‌سازی سیاسی و کاهش تحریم‌ها باشد. طالبان تقریباً قطعاً خواهان مشروعیت بین‌المللی خواهند بود، از جمله کرسی در سازمان ملل، و نیز رفع محدودیت‌های مالی و سفر. یک فرصت دورتر اما مهم، سرمایه‌گذاری احتمالی آمریکا در یک معدن لیتیوم در افغانستان است.

اگر این مورد در توافق گسـترده‌تر گنجانده شـود، می‌تواند منافع قابل توجهی برای هر دو طرف داشـته باشـد و افغانسـتان را به زنجیره‌های تأمین جهانی متصل کند.

در حالی کـه انتظار می‌رود تندروهـا، به‌ویژه امیر در قندهار، هر گونه سازش با واشنگتن را رد کنند، دیگر جناح‌های ائتلاف ناهمگون طالبان ممکن اسـت در خفا چنین توافقـی را هم قابل تحمل و هم سـودآور ببینند. با این حال، امیر نه دسـت‌نیافتنی اسـت و نه شکسـت‌ناپذیر، به‌ویژه اگر از مصالحه خودداری کند و با نارضایتی در میان صفوفش روبه‌رو شـود. گرچه گفت‌وگوی مسـتقیم با امیر تا حد زیادی بی‌سـابقه است، اما واقعیت گسترده‌تر رژیم ـ به‌عنوان یک دولت منزوی، بی‌پول و منزوی که بیش‌ازپیش در برابر داعش-خراسان آسیب‌پذیر است ـ اهرم‌های قابل توجهی فراهم می‌کند. این شرایط می‌تواند یک گشایش مذاکره‌ای را قابل‌باورتر از آنچه به نظر می‌رسد، کند.

گزینه‌ای از نظر سیاسـی قابل‌قبول‌تر می‌تواند شامل ترتیبی ثالث باشد، به این معنا که مدیریت بگرام به یک واسطه خلیجی مثل قطر یا امارات متحده عربی، یک عضو ناتو مانند ترکیه یا حتی یک شریک آسیای مرکزی مانند ازبکستان واگذار شود. این کشورها روابط نزدیک با طالبان دارند، سفرای منصوب رژیم را پذیرفته‌اند و همچنان شرکای امنیتی نزدیک واشنگتن هستند.

در چنین ترتیبی، بگـرام می‌تواند به‌عنوان یک مرکز مشترک ضدتروریسم و مرکز آموزشی بازتعریف شود که از نظرِ فنی تحت نظارت یک شریک خارجی است، اما عملاً دسترسی آمریکا به جمع‌آوری اطلاعات، عملیات شناسایی و عملیات‌ها را فراهم می‌کند.

خبر روز

ابزاری که می‌توان از آن استفاده بهینه کرد

هوش مصنوعی؛ قربانی محدودیت یا کلید نجات اقتصاد ایران پس از ماشه؟

دیپلماسی ایرانی: با فعال شدن رسمی مکانیزم موسوم به «ماشه»، بازگشـت تحریم‌ها بار دیگر فضای اقتصادی ایران را تحت فشار قرار داده است. این رخداد یادآور روزهای پیـش از توافق برجام است؛ روزهایی که دسترسی به منابع مالی، علمی و فناورانه محدود شده بود. اما امروز شرایط جهانی تغییر کرده است؛ هوش مصنوعی نه یک انتخاب، بلکه عامل تعیین‌کننده جایگاه کشـورها در نظم بین‌الملل است. در چنین فضایی، پرسش کلیدی این است: ایران چگونه می‌تواند مانع عقب‌ماندگی فناورانه خود شود و آیا هوش مصنوعی می‌تواند به ابزاری برای خنثی‌سازی تحریم‌ها تبدیل شود؟

شـکاف فناورانه، تحریم‌ها چه بلایی بر سر هوش مصنوعی می‌آورند؟

تحریم‌های ماشـه، بیش از آنکه از جنس نوآوری باشند، در گستره اثرگذاری‌شـان اهمیت دارند. محدودیت در دسترسی به تجهیزات سخت‌افزاری پیشرفته، انسداد مسیرهای مالیِ رسمی و کاهش همکاری علمی بین‌المللی، عملاً شـکافی عمیق در حوزه فناوری‌های نوین ایجاد کرده اسـت. این شکاف به‌ویژه در زمینه هوش مصنوعی، به معنای عقب‌ماندن از رقابتی است که امروز نه تنها اقتصاد، بلکه امنیت و سیاست کشـورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، همین فنـاوری می‌تواند به راهی برای مقابله با اثرات تحریم‌ها نیز تبدیل شود.

هوش مصنوعی؛ قربانی محدودیت یا کلید نجات اقتصاد ایران؟

برای توسعه هوش مصنوعی سه رکن حیاتی لازم است: سخت‌افزارهای پیشـرفته، سرمایه‌گذاری کلان و نیروی انسانی متخصص. تحریم‌ها هر سه بخش را تحت فشار قرار داده‌اند. اما تناقض جالب اینجاسـت که خودِ هوش مصنوعی می‌تواند ابزار کاهش اثر تحریم‌ها باشـد. این فناوری قادر است زنجیره‌های تأمین داخلی را بهینه کند، مسیرهای جایگزین برای حمل‌ونقـل و تجارت طراحی کند و سامانه‌های مالی هوشـمندی ایجاد کند که در شـرایط محدودیت انعطاف بیشـتری به اقتصاد بدهد. حتی استفاده از داده‌های داخلی می‌تواند به تولید مدل‌های بومی در حوزه‌هایی چون سلامت، انرژی و صنعت منجر شـود و بازدهی را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

از تحریم تا جهش، وقتی فشـار خارجی به فرصت داخلی تبدیل می‌شود

دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی نیز باید حلقه اتصال دانـش و صنعت باشـند. پیوند سـه‌جانبه میان دانشـگاه، دولت و بخش خصوصـی می‌تواند از طریق پروژه‌های کلان پژوهشـی، تربیت نیروی متخصص و حمایت از طرح‌های میان‌رشـته‌ای، به شکل‌گیری یک اکوسیستم قدرتمند در حوزه هوش مصنوعی بینجامد. تجربه کشورهایی که در شـرایط محدودیت به نوآوری روی آوردند، نشان داده که اعتماد به ظرفیت داخلی و جسـارت در اصلاح ساختارهای سـنتی، کلید عبور از بحران است.

مکانیزم ماشـه اگرچـه به‌عنوان ابزاری فشـارزا طراحی شـده، می‌تواند به محرکی برای نوآوری نیز تبدیل شـود. هوش مصنوعی دیگر صرفاً یک ابزار فناورانه نیست، بلکه محور اصلی رقابت‌های آینده جهان اسـت. بی‌توجهی بـه آن، به معنای عقب‌نشـینی راهبردی در عرصه جهانی خواهد بود. تنها با بازتعریف همکاری واقعی میان دولت، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها می‌توان از این فناوری برای کاهش اثر تحریم‌ها و حتی تبدیل تهدید به فرصت بهره برد.

سرمقاله

ادامه از صفحه یک

موضوعی که به قدری چشمگیر بود که حتی در رسانه‌های غربی نیز بازتاب های گسترده‌ای پیدا کرد. این مسـاله در نوع خود از اوج گیری بیش از پیش حس انزجـار بین المللی از رژیم صهیونیستی حکایت دارد. روندی که در طی تحولات دو سـال اخیر در سطح منطقه غرب آسـیا اوج گیری قابل توجهی پیدا کرده و به گفته مقام معظم رهبری، رژیم صهیونیستی را به یکی از منفورترین رژیم های جهان تبدیل کرده اسـت. در عین حال، با توجه به تشدید اقدامات ضدبشری رژیم اشغالگر قدس، دولت های مختلف در اقصی نقـاط جهان به ویژه در غرب عالم، اکنون با موانـع و محدودیت های بیشتری در همراهی با سیاست‌های اسرائیل مواجه شده اند. اکنون افکار عمومی در جهان از دولت های خود انتظار دارند که با رژیم سیاسی نظیر اسرائیل هیچگونه ارتباطی نداشته باشند. حال در این فضا، همراهـی دولتمردان غربی با رژیم اشـغالگر قدس، تا حد زیادی پرهزینه شده و اساسـا به همین دلیل، اسرائیل حتی در میان متحدان خود نیز منزوی شـده است. در واقع، دولتمردان غربی نمی‌توانند همچون گذشـته به صراحت و در ملا عام از همراهی و اتحاد با اسرائیل صحبت کنند. ورای همه اینها، آنچه رژیم اسرائیل علیه ناوگان جهانی صمود به نمایش گذاشت، این واقعیت را نیز فریاد زد که این رژیم را نباید صرفا دشمن مردم فلسطین دانست. بلکه برعکس، اسرائیل دشمن بشریت است و برای کل انسـان‌های جهان خطرناک است. ناوگان صمود از افرادی تشکیل می شد که از ملیت‌های مختلف دنیا بودند. با این حال، اسـرائیل همه آن‌ها را به بدترین شکل ممکن دستگیر کرد و مانع از اقدام انسان دوستانه آن‌ها شد. از این رو، به نظر می رسد که این رویداد، در نوع خود اتحاد و همبستگی جهانی با مردم فلسطین و انزجار از اسرائیل را افزایش دهد و تقویت کند. رژیم اشغالگر قدس اکنون به نقطه ای رسیده که نمی تواند مثل گذشته، با تبلیغات صرف و بازی های روانی، منافع و دستورکارهای ضدانسانی خود را مشروع و قانونی جلوه دهد. این مساله خود از یک بن‌بست بزرگ برای آن حکایت دارد و می تواند برای جریان مقاومت در جهان و البته ملت‌های آزاده، دستاوردساز باشد. جهان اکنون روشن‌تر از هر زمان دیگری سیاهی مطلق اسرائیل را مشاهده می کند و این رژیم را نماد آپارتاید و خونریزی و جنایت در نظر می گیرد. معادله ای که از چشم‌اندازی کلان، از در پیش‌بودن سناریوهای تاریکتر به نسبت وضعیت کنونی برای اسـرائیل در آینده ای نه چندان دور حکایت دارد.

خبر

در پیام‌هایی به ۲ کشور آسیایی؛

عراقچی خواستار مقاومت در برابر تحریم‌های غرب شد

سفیر ایران در کلمبو از ارسال نامه‌ای از سوی «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران به دولت‌های سریلانکا و مالدیو خبر داد که در آن با هشدار نسبت به تضعیف قوانین بین‌المللی در نتیجه پیروی از تحریم‌هـای غرب، از این کشورها خواسته شـده در برابر این تحریم‌ها مقاومت و درباره آن موضع‌گیری کنند.

به گزارش ایسـنا، «علیرضا دلخوش» سفیر ایـران در کلمبو اعلام کرد که «سـید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایـران در نامه‌ای به همتایان سریلانکا و مالدیو از این دو کشور خواسته است با تحریم‌های اعمال‌شده از سوی آمریکا و متحدان غربی آن مخالفت کنند. نشریه رگ‌تک‌تایمز گزارش داد: به گفته سفیر ایران، در این نامه‌ها به نگرانی‌ها درباره امکان تضعیف قوانین بین‌المللی و ایجاد رویه‌های خطرناک برای دیگر کشـورها بر اثر این تحریم‌ها اشاره شده است.

ایـن نامـه در پـی بازگردانـی تحریم‌ها و قطعنامه‌هایی علیه ایران با اجرای «سـازوکار ماشه» در ۲۸ سپتامبر منتشر شده است. این تحریم‌ها ذیل توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ لغو شده بودند. سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس در پایان ماه اوت درخواسـت فعالسـازی این سازوکار علیه ایران را داده بودند. ایران اقدام را فاقد مبنای قانونی و حقوقی توصیف کرده است. عراقچی در پیـام خود به سـریلانکا و مالدیو تاکید کرد که این مسـئله تنها دربـاره ایران نیست. در نامه‌ها او اشاره شـد که امروز ایران با محدودیت‌هایی روبه‌رو شـده است اما بعدا ممکن است شامل جنوب آسـیا و آفریقا نیز باشد.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمد باقر علیزاده به استناد دو برگ استشهادیه به گواهی امضاء شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۹۴۲۶۰ فرعی از ۱۹۰۲۷ از ۴ـ اصلی بخش ۹ مشهد به علت گم شدن نامعلوم مفقود شده است با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد برابر صورت مجلس تفکیکی ش ۳۶۰۰۸-۹۶/۴/۱ ششدانگ پلاک ثبتی ۱۹۰۲۷ فرعی از ۴ اصلی بنام محمد باقر علیزاده به شش واحد آپارتمان تفکیک گردیده تحت پلاکهای ۹۴۲۵۷ الی ۹۴۲۶۲ فرعی از ۴ اصلی . که پلاک ۹۴۲۶۰ فرعی دارای سند رهنی ۲۸۹۶۲ ـ ۹۴/۱۲/۱۰ دفتر ۱۰۳ مشهد میباشد و جهت ان سند سریال ۱۰۰۲۸۵ بنام وی صادر گردیده که اکنون مفقود شده است سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد. بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یاسند معامله ای به این اداره تسلیم نماید بدیهی است درصورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم ان به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف:۷۵۸۳

بشیر پاشائی-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ مشهد

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمد باقر علیزاده به استناد دو برگ استشهادیه به گواهی امضاء شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۹۴۲۵۸ فرعی از ۱۹۰۲۷ از ۴ـ اصلی بخش ۹ مشهد به علت گم شدن نامعلوم مفقود شده است با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد برابر صورت مجلس تفکیکی ش ۳۶۰۰۸-۹۶/۴/۱ ششدانگ پلاک ثبتی ۱۹۰۲۷ فرعی از ۴ اصلی بنام محمد باقر علیزاده به شش واحد آپارتمان تفکیک گردیده تحت پلاکهای ۹۴۲۵۷ الی ۹۴۲۶۲ فرعی از ۴ اصلی . که پلاک ۹۴۲۵۸ فرعی دارای سند رهنی ۲۸۹۶۲ ـ ۹۴/۱۲/۱۰ دفتر ۱۰۳ مشهد میباشد و جهت ان سند سریال ۱۰۰۲۸۳ بنام وی صادر گردیده که اکنون مفقود شده است سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سندمالکیت نزد خود باشد. بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یاسند معامله ای به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سندمعامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم ان به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف:۷۵۸۱

بشیر پاشائی-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ مشهد

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علیرضا بلوچ قرایی برابر وکالت شماره ۶۲۶۴۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ دفتر ۱۴۴ مشهد از طرف حمیدرضا رضایی نسبت به پلاک ثبتی ۱۳۲۵ فرعی ۱۵۵ اصلی بخش ۱۰ مشهد به استناد دو برگ استشهادیه گواهی امضاء شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که برابر سند قطعی شماره ۱۱۲۴۵۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۰ دفتر ۱۳ مشهد ششدانگ به ایشان منتقل گردیده است که سند مالکیت پلاک ۱۳۲۵ فرعی از ۱۵۵ ـ اصلی بخش ۱۰ مشهد متعلق به وی می باشد به علت سهل انگاری مفقود گردیده است با بررسی سیستم جامع املاک معلوم شد ششدانگ سند مالکیت اولیه بنام علی اصغر رضایی (برابر مجوز ۲۱۷۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۱۷ ثبت احوال خراسان رضوی نام و نام خانوادگی از علی اصغر رضایی نیشابوری به حمیدرضا رضایی اصلاح گردیده است) ثبت و سند مالکیت کاداستری بشماره ۵۴۹۵۶۶ الف ۹۸ صادر و تسلیم شده است سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سندمالکیت نزد خود باشد، بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یاسند معامله ای به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سندمعامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی وتسلیم ان به متقاضی اقدام خواهد شد.م الف:۷۵۵۹

پاشایی-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه۲مشهد

فقدان سند مالکیت

آقای مرصاد غلام پور مرکند به وکالت از طرف وراث یحیی سپهری با تسلیم دو برگ استشهاد محلی مصدق مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۰ فرعی از ۱۵۶۵- اصلی واقع در بخش ۲ -ارومیه را که ذیل ثبت شماره ۶۳۴۹ صفحه ۳۵۶ دفتر ۸۳ بنام یحیی سپهری صادر و تسلیم گردیده است مفقود نموده است و مراتب برابر تبصره یک ماده ۱۲۰- آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا هر کس مدعی مالکیت و یا وجود سند مالکیت مذکور در نزد خود میباشد از تاریخ آخرین نوبت این آگهی بمدت ۱۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت شهرستان ارومیه تسلیم نماید در صورت سپری شدن مدت مقرر و عدم دریافت اعتراض برابر مقررات سند مالکیت المثنی صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ شناسه آگهی: ۲۰۱۲۷۸۵

شهریار ایمانی فر-سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه ۲ -ارومیه

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۱۳۰۰۵۰۰۶۵۹۰ مورخ ۱۴۰۴۰۶۰۳۱۳۰۰۵۰۰۶۵۹۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی نقده تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی **آقای شکراله باقری نژاد قولنجی فرزند عباس در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۴۴۵ متر مربع به شماره پلاک ۱۱۲۷ فرعی از ۱۲۱ - اصلی قریه حسنلو حوزه ثبتی نقده بخش ۱۱ ارومیه** محرز گردیده است.

*** لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ